

پیشنهاد ضمیمه برنامه در مورد محیط زیست و بحران زیست بومی

از: فرّخ

تاریخ: ۱۳ آوریل ۲۰۲۱ میلادی برابر با ۲۴ فروردین ۱۴۰۰ شمسی

عنوان

مبارزه برای داشتن محیط زیستی سالم و حفظ زیست بومی پایدار بخشی از مبارزه طبقاتی است و یک برنامه تغییر سوسیالیستی جامعه باید این مبارزه را به عنوان یک بخش تفکیک ناپذیر از برنامه انقلابی خود جای دهد.

مقدمه

انسان جزئی از زیست بوم خویش است و پاره ای از سوخت و ساز آن و نه مثل عنصری که بیرون زیست بوم ایستاده و به طبیعت اطراف خود می نگرد و به فکر تسخیر، تصاحب و استثمار آن است.

محیط زیست نوع بشر و دیگر انواع زنده ای که در این محیط زندگی می کنند بر تعادلی استوار است که شرایط مناسبی را برای زندگی بر روی این کره فراهم ساخته است. این تعادل به انسان اجازه می دهد که تا حدودی بر زیست بوم خویش تأثیر بگذارد و همچنین از آن تأثیر بپذیرد. این تعادل زیست بومی و یا تعادل اکولوژیک به پدیده های گوناگونی وابسته است که بر همدیگر نیز تأثیرگذار هستند و یک ناعادلی در یکی از اینها می تواند دلیل خارج شدن از این تعادل برای آن پدیده های دیگر بشود.

تا زمانی که این تعادل زیست بومی در شکل اولیه آن برقرار است این تأثیرپذیری متقابل بین انسان و زیست بوم او میتواند ادامه داشته باشد بدون آنکه تهدیدی برای زندگی بشر در این محیط و با این شرایط مناسب بشود. در این صورت این زیست بوم پایدار است.

تأثیر شیوه تولید سرمایه داری بر زیست بوم سیاره ای

در طی دو و نیم قرن گذشته به تدریج و در طی چند دهه گذشته با شدت روزافزون تراثات ویرانگر مناسبات تولید سرمایه داری بر محیط زیست انسان ها ابعاد وحشتناک و بی سابقه ای به خود گرفته است. هیچ زیستگاه و محیط طبیعی در سطح کره زمین دیگر وجود ندارد که تحت تأثیر منطق سوداندوزی سیستم سرمایه داری حاکم بر کل دنیا دستخوش تصرف، استفاده بی رویه و سوق آن به سوی انحلال اکولوژیک نبوده باشد.

گرمایش افزاینده کره زمین، افزایش میزان اسیدی شدن دریا ها و اقیانوس ها، انقراض انواع و کاهش تنوع زیستی همراه با آلودگی آب، هوا و خاک نتایج مصیبت باری را برای میلیاردها تن از مردم جهان به دنبال دارد که نه در آینده بلکه هم اکنون نتایج اولیه آن به شکل خشکسالی ها با تعداد و شدت های فزاینده در مناطقی و همچنین سیلاب های عظیم هم در آن مناطق و هم در مناطق دیگر دیده می شود.

همچنین استهلاک خاک و کاهش باروری زمین های کشاورزی، بالا رفتن سطح آبهای آزاد و تهدید مناطق مسکونی ساحلی، شیوع بیماری ها و اپیدمی های گوناگون و کمبود آب آشامیدنی برای تعداد زیادی از مردم از اینگونه پیامدها هستند که در حال حاضر مشاهده می شوند.

دانشمندان هم عقیده اند که اگر وضع کنونی به این صورت ادامه داشته باشد در سال ۲۰۵۰ بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان به آب آشامیدنی مورد نیاز خود دسترسی نخواهند داشت.

اکنون دانشمندان همچنین زیست بوم پایدار را تعریف کرده و برخی از مرزهای آن را مشخص کرده اند که در صورت گذشتن از این مرزها یک یا چند تا از آن پدیده هایی که باعث تعادل زیست بومی هستند ناپایدار شده و زیست بوم سیاره ای را به آن سمتی سوق می دهند که تعادل جدیدی در سطی دیگر به دست می آید که شرایط زندگی در آن برای انسان ها بسیار طاقت فرسا خواهد بود.

داشتن زیست بومی پایدار در سطح کره زمین شرط اول برای تداوم زندگی انسان ها بر این کره و در هماهنگی با طبیعت اطراف انسانها خواهد بود.

ادامه حیات نکبت بار سرمایه داری با خود نه تنها افزایش نابرابری های طبقاتی و اجتماعی، تراکم ثروت در یک سو و فقر در سوی دیگر و ایجاد نابرابری هم در درون خود جوامع و هم میان جوامع مختلف جهان را با خود داشته، بلکه برای ارضاء اشتهاى سیری ناپذیر خود به کسب هر چه فزاینده تر سود و انباشت سرمایه، محیط زیست انسانها را نیز دچار بحران تجدید قوا کرده است. استفاده بیرویه و غیرعقلانی از منابع کره زمین به حدی رسیده که کره زمین توان تجدید این منابع را روز به روز سریعتر از دست می دهد.

به دلیل همان مناسبات تولیدی سرمایه داری و در طی همان چند دهه گذشته سطح نابرابری بین یک اکثریت بزرگ و یک اقلیت کوچک در سطح جهانی افزایش پیدا کرده است. این نابرابری شامل ثروت، درآمد و دسترسی به امکانات رفاهی در جامعه مانند تحصیل، امکانات پزشکی و غیره است. این افزایش عظیم نابرابری در تمام کشورهای و نقاط جهان مشاهده می شود. این نابرابری در ذات خویش تهدید بزرگی است برعلیه ساختن آینده ای مناسب در زیست بومی پایدار و به این دلیل ریشه کن کردن نابرابری اقتصادی در یک جامعه پیش شرطی برای امکان حفظ زیست بومی پایدار در آن جامعه است.

از طرفی قشر کوچکی از ثروتمند ترینان در جهان هستند که صاحب قسمت اعظم ذخایر سوختهای فسیلی هستند و یا درآمد شرکتهای آنها وابستگی مستقیمی با استفاده از مقادیر عظیمی از سوختهای فسیلی دارد. آنها نه تنها هیچ مشکلی در استخراج، فروش و مصرف این سوختهای فسیلی نمی بینند بلکه آنها منبع کنونی و آتی ثروت خود را در این سوختها می بینند و به دلیل ثروت هنگفتشان و آن قدرت سیاسی که از این ثروت هنگفت سرچشمه می گیرد اصرار می ورزند که استخراج، فروش و مصرف این سوختها باید ادامه داشته باشد و برای رسیدن به این هدف از هیچ جنایتی پرهیز نمی کنند با اینکه این سوختها اصلی ترین دلیل گرمایش فزاینده کره زمین و انقراض انواع و اسیدی شدن دریاها و اقیانوسهاست.

از طرف دیگر در جامعه ای که عمیقاً نابرابر است با خطر دیگری هم برای محیط زیستمان مواجه هستیم. تمرکز ثروت نزد یک اقلیت کوچک در یک جامعه طبقات پایین و نیازمند جامعه را تحت فشار می گذارد که به رفتارهایی متمایل شوند که با چپاول طبیعت، زیست بومشان را به سمت ناپایدار شدن سوق می دهد.

با این حال هیچ عقلانی نمی تواند پدری را از قطع کردن درختی برحذر دارد وقتی که بچه هایش از سرما در حال مرگ هستند و سوزاندن این درخت برای گرم نگه داشتنشان تنها راه ممکن است با اینکه بودن این درخت برای کاهش گرمایش زمین مهم است.

هیچ کس نمیتواند از کشاورزی انتقاد بکند که سال به سال سهم بیشتری از درآمد ناچیزش را خرج خرید و مصرف کود شیمیایی می کند چون بازدهی زمین سال به سال کاهش می یابد و کشاورز باید کود شیمیایی بیشتری را استفاده کند گرچه مصرف کود شیمیایی خود یکی از دلایل باروری کم زمین کشاورزی است و نیز بزرگترین دلیل انباشت نیتروژن در رودخانه ها، تالاب ها و دریاچه ها و تبدیل آنها به گورستانی برای ماهی ها و دیگر جانوران آبی به دلیل کمبود اکسیژن محلول در آب میشود که خود این ماهی ها غذای همین کشاورز، خانواده او و همسایگانش هستند.

و هیچ کس نمی تواند از کارگری که در معادن ذغال سنگ، چاههای استخراج نفت، کارخانه های پتروشیمی و سیمان و فولاد و آلومینیوم و دیگر کارخانجات آلاینده که غیر از کمک به افزایش گرمایش زمین همچنین آب، هوا و خاک اطراف این معادن و کارخانه ها را نیز آلوده می کنند کار می کند انتقاد کند و از او بخواهد که در این بخش آلاینده از تولید نقش نداشته باشد چون این سیستم حاکم سرمایه داری امکان انتخاب شغل دیگری را برای او نگذاشته است. این کارگر مجبور به ادامه کار خود خواهد بود با این حال که او و خانواده اش در جوار همان آلودگی زندگی می کنند، از همان آب آلوده می نوشند و از همان هوای آلوده تنفس می کنند و فرزندانشان بر روی همان خاک های آلوده بازی می کنند.

به غیر از ثروتمندان و بالاترین قشرهای جامعه که اصرار بر ادامه استخراج و مصرف سوختهای فسیلی دارند و همچنین مصرف شخصی آنها از منابع طبیعی و از بین بردن طبیعت یعنی رد پای زیست بومی آنها صدها برابر میانگین در یک جامعه است و همچنین به غیر از تمایل پایین ترین قشرهای جامعه که نیازمندان جامعه هستند که مجبور به خرابی محیط زیست برای ادامه بقا هستند گروه سوم هم از مردم در یک جامعه نابرابر وجود دارد که به دلیل نابرابری در جامعه رفتارهایی را دارند که شیوه زندگی مصرفی را در آنها تقویت می کند. آنها کالاهایی را طلب می کنند که این کالاها نه برای رفع نیاز آنها بلکه برای به دست آوردن نشانه های موفقیت اجتماعی است. آنها این گروه از قشرهای میانی جامعه هستند که شیوه زندگی مصرفی اشان نتیجه دیکته مستقیم سیستم سرمایه داری برای افزایش تقاضا برای تولید بیشتر کالا است.

در یک جامعه نابرابر آنها زیر فشار دائمی و روزافزونی هستند که این احساس را داشته باشند که روز به روز باید کالاهای بیشتر و بهتری را داشته باشند گرچه تولید این کالاها باعث گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی میشود و همچنین کمتر جایی دیگر در جهان وجود دارد که میتوان آشغال این کالاها مصرف شده را انبار کرد.

چون در یک جامعه نابرابر سرمایه داری که استوار بر مصرف روز به روز افزایش یافته است داشتن کالاهای غیر ضروری و تعویض آنها به کالاهای دیگر برابر با داشتن موفقیت اجتماعی است. مالکیت یک کالا برای رفع نیاز نیست بلکه برای کسب نشانه های موفقیت اجتماعی است. اکثریت این کالاها هیچ نیازواقعی را برطرف نمی کند و تولید آنها صرفاً برای داشتن حق تملک آنهاست.

در جامعه ای که اعضای آن از نظر اقتصادی با هم برابرند یعنی آن جامعه ای که مطلوب و مورد نظر ماست اشیا و کالاها ارزش مالکیت را ندارد چون همه دارای آن کالاها هستند که نیازهای اساسی آنها را برطرف میکند. فقط تولیدات و فعالیتهای غیر کالایی نظیر هنر، علم، ادبیات و همچنین ابراز همدلی، اعمال کمک و حمایت از یکدیگر و میزان عشق به انسانهای دیگر است که پیمانه سنجش موفقیت اعضای جامعه می باشد.

روشن است که هم قربانیان نابرابری اقتصادی در دنیا و هم قربانیان فجایع زیست محیطی در وهله اول کارگران و مردم زحمتکش و محروم جامعه هستند و در اینجا لازم به یادآوری است که داشتن جامعه ای با حداکثر برابری بین اعضایش پیش شرط داشتن محیط زیستی سالم و حفظ زیست بومی پایدار است.

تمام پژوهش ها نشان می دهد که دولتهای امپریالیستی و شرکت های بزرگ صنعتی در آلودگی آب، هوا و خاک و گرمایش زمین و انقراض انواع و اسیدی شدن اقیانوس ها بیشترین نقش را داشته و اکنون نیز دارند.

امروزه با گسترش سیستم سرمایه داری به سر تا سر جهان و تشدید رقابتها بین شرکتهای فرا ملیتی تغییرات در تعادل زیست بومی کنونی به یک بحران عمیق زیست بومی جهانی تبدیل شده است که روشن ترین نشانه های این بحران را می شود در تغییرات اقلیمی مشاهده کرد.

خطرات و فجایعی که که محیط زیست انسانها و دیگر انواع زنده را تهدید می کند نتیجه مستقیم و ناگزیر شیوه تولید سرمایه داری و منطق رشد اقتصادی دائمی برای سود اندوزی است.

در نتیجه در دوران حاضر و بیش از هر زمان دیگر مبارزه برای داشتن محیط زیستی سالم و حفظ زیست بومی پایدار یکی از جنبه های مبارزه و تکالیف انترناسیونالیستی کمونیستها در تلاش برای سازمان دهی مبارزه مشترک کارگران، حقوق بگیران و دیگر زحمتکشان کشورهای مختلف علیه نظام سرمایه داری و قدرت های امپریالیستی به عنوان عامل اصلی آلودگی آب، هوا و خاک و گرمایش زمین و در کل عامل اصلی ایجاد این بحران عمیق زیست بومی جهانی است که لازمه اش ضرورت مبارزه همیسته در جهت فرا رفتن از نظام تولید سرمایه داری است.

محیط زیست در ایران

تحت حاکمیت نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی مسئله آلودگی آب و هوا و تخریب محیط زیست در ایران هم به مرحله بحرانی رسیده است و همچنین سهم ایران از عمیقتر کردن بحران زیست بومی سیاره ای افزایش پیدا کرده است.

بر اساس گزارش انستیتوی جهانی منابع طبیعی، ایران در رده دهمین تولید کننده بزرگ گازهای گلخانه ای در جهان است. شهر اهواز تاکنون دو بار به عنوان آلوده ترین شهر جهان شناخته شده است.

خشک شدن تالاب هویزه، بزرگ ترین تالاب استان خوزستان، به منظور استخراج کم هزینه نفت سهم به سزایی را در ایجاد آلودگی های محیط زیستی داشته است به طوری که مردم دیگر مناطق ایران با صدها کیلومتر فاصله از عوارض این آلودگی در امان نیستند.

از سوی دیگر نیروگاههای تولید برق و همچنین مراکز تولید پتروشیمی، فولاد، آلومینیم و سیمان سهم زیادی در تشدید آلودگی هوا

داشته اند.

در آذربایجان خشک شدن دریاچه ارومیه خود بی یکی از بحران های منطقه ای محیط زیستی تبدیل شده است و طوفانهای نمک و ریزگرد ها و خشکسالی به جا به جایی و مهاجرت تعداد کثیری از روستاییان این منطقه انجامیده است.

احداث بی رویه سد ها تحت عنوان تأمین انرژی و آب برای کشتهای صنعتی ولی در واقع برای چپاول دارایی های ملی توسط سپاه پاسداران از عوامل مهم گسترش بیابان ها و شوره زار ها می باشد.

و نیز در محیط های آلوده و نا امن کار و تولید هزاران کارگر با مواد شیمیایی و گازهای سمی سر و کار دارند که روزانه قربانی می گیرد و کمبود آب آشامیدنی نیز در خیلی از مناطق ایران هم رفته رفته به مرحله بحرانی نزدیک می شود.

این اوضاع بحرانی و به خطر افتادن محیط زیستی که نه فقط متعلق به نسل های کنونی بلکه متعلق به نسل های آینده هم هست محصول ناگریزمناسبات حاکم و استفاده سوداندوزانه سرمایه داری در ایران و بهره بری آن از زمین و منابع طبیعی و تلاش مداوم برای پایین آوردن هزینه های تولید برای کسب فوری سود های بیشتر می باشد.

توجه به اهمیت محیط زیستی سالم در کشور ما و رای ضرورت مشارکت در جنبش جهانی محیط زیستی در پیوند با کشورهای منطقه خاورمیانه و حل مسائل عدیده زیست بومی نیاز به **اتخاذ یک برنامه راهبردی دراز مدت دارد** که باند یکی از ارکان مطالباتی ما باشد.

بدیهی است که حل مسائل زیست محیطی در ایران و همچنین کاهش سهم ایران از گازهای گلخانه ای در جهان مقدم بر همه چیز در گروه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است که خود عامل و باعث اصلی بیشترین خسارات بر محیط زیست و ویرانی های کنونی است.

همچنین امروز دیگر مهم است که یک برنامه تغییر سوسیالیستی جامعه لزوم حفاظت از و بهبود شرایط زیست محیطی و تحویل زیست بومی پایدار به نسل های آینده را باید به مثابه بخش تفکیک ناپذیری از برنامه عمل انقلابی خود جا دهد.

شرکت فعالانه در جنبش ها و حرکت های اعتراضی در دفاع از محیط زیست و تلاش برای ارتقا این مبارزات به یک مبارزه ضد سرمایه داری وظیفه تمام اعضا، فعالین و طرفداران سازمان ما است.

مطالبات ما در برنامه راهبردی دراز مدت برای داشتن محیط زیستی سالم و حفظ زیست بومی پایدار

الف - سیستم باید تغییر کند و نه شرایط اقلیمی

درخواست ما ایجاد یک سیستم انرژی دموکراتیک است که به سرعت به سمت انرژی های قابل تجدید می چرخد و استفاده از برق را برای همه مقرون به صرفه نگه می دارد. ترکیبی از مالکیت عمومی و تعاونی ها و شوراهای می توانند اولویت های سیستم انرژی ایران را برای همیشه تغییر دهند.

ما همچنین به یک سیستم حمل و نقل عمومی و رایگان ، که از طریق مالیات پرداخت می شود، به حمایت از کشاورزی اکولوژیکی در مقابله با کشاورزی صنعتی و به انتقال عادلانه به تولید پایدارسیز نیاز داریم تا اطمینان حاصل شود که کارگران صنایع آلاینده عقب نمانند. این شامل تغییر جهت دادن به سمت یک اقتصاد است که بدون وابستگی به مصرف کالایی سعادت تولید می کند.

طرف دیگرخواست کاهش تقاضا نیاز فوری به حذف سریع نفت ، ذغال سنگ و گاز است. تنها با نگر داشتن سوخت های فسیلی در زمین می توانیم تغییرات اقلیمی را متوقف کنیم . همه این تغییرات تحول آفرین یک چالش اساسی خواهد بود در زمینه نحوه توزیع ثروت و قدرت در ایران.

جزئیات این درخواستها را در نکات ب تا د میشود دید.

ب - به نظر ما مهار گرمایش زمین و تقلیل انقراض انواع هم ضروری، هم عاجل و هم ممکن است. مهمترین اصل برای انجام این کار این است که کسی یا نهادی که از طریق تولید گازهای گلخانه ای عامل افزایش گرمایش زمین است باید تمام مخارج مهار آن را بپردازد.

یعنی آن ۲۰٪ از مردم جهان که مسئول تولید بیش از ۸۰٪ از گازهای گلخانه ای هستند که هم اکنون تولید می شود و هم آنهایی که در طول ۲۰۰ سال گذشته تولید شده و به نوعی در محیط زیست انبار شده است باید سهم خود یعنی ۸۰٪ از مخارج کل مهار گرمایش زمین را پرداخت کنند.

پ - آن تقریباً نصفی از جامعه جهانی و همچنین در ایران که تأثیر ناچیزی در این رابطه داشته اند باید از افزایش خرج زندگی در ارتباط با فعالیتهایی که برای مهار گرمایش زمین صورت می گیرد مصون بمانند و جبران تمام بالا رفتن مخارج زندگی را دریافت کنند. وظیفه ضمانت این امر در ایران بر عهده دولت ایران است.

ت - ۸۰٪ از مخازن سوخت های فسیلی که تاکنون شناخته شده اند باید در زیر زمین بمانند و هرگز استخراج نشوند. معنی این درخواست در ایران این است که ایران باید بتواند که اقتصاد خودش را که به مقدار زیادی به تولید نفت و پتروشیمی وابسته است تغییر داده و به طرف تولید انرژی قابل تجدید و کالا های پاک بچرخاند. در حال حاضر انرژی قابل تجدید تنها در انرژی تولید شده از آسیاب های بادی و سلول های انرژی خورشیدی خلاصه می شود ولی تکنولوژی می تواند این را در آینده تغییر دهد.

ث - مدل جامعه مصرفی غربی که به عنوان مدلی استاندارد به همه مردم دنیا و همچنین ایران نشان داده میشود و با بوق کرنا تبلیغ می شود باید در ایران از میان برداشته شود. رفاه انسان باید نه از طریق مصرف کالا بلکه باید از طریق سطح سعادت مندی شخص و جامعه سنجش شود. سعادت اعضای یک جامعه نه منحصرأ به مصرف کالا که به سطح بهداشت، تحصیل، شادی، رضایت، همکاری، همیاری و همزیستی در جامعه بستگی دارد. باید برای این سطح رضایت یک حداقل و یک حداکثر رفاه مادی به معنای مصرف کالایی تعریف شود. در ایران این نیاز به آغاز پژوهش هایی را دارد که تعریف این حد از رفاه مادی و کالایی را در مد نظر دارد. یعنی از یک طرف آن سطحی از مصرف کالایی که برای سعادت هر ایرانی و رفع نیازهای او لازم است را تأمین کند و از طرف دیگر کل محیط زیست ایران را در یک تعادل پایدار نگاه می دارد.

ج - تمام فعالیتهای اقتصادی که برای انتقال اقتصاد ایران به طرف تولید و مصرف انرژی قابل تجدید است و از این جمله ایجاد نیرو گاه ها و پارک های تولیدات انرژی های قابل تجدید بادی و خورشیدی باید در مالکیت عمومی و اجتماعی باشد یعنی ترکیبی از مالکیت دولتی با مالکیت شورایی و تعاونی. در اینصورت مردم طبقات پایین و متوسط به مشارکت در امرانتقال تولید و مصرف انرژی در ایران به طرف انرژی های قابل تجدید و کاهش مصرف خود از انرژی و کالاهای ضرردار برای محیط زیست تشویق میشوند.

ج - گسترش هرچه بیشتر شبکه ایاب و ذهاب عمومی و اجتماعی کردن مالکیت آن در ترکیبی از مالکیت دولتی با مالکیت شورایی و تعاونی با هدف کاهش حداکثر وسایل نقلیه شخصی که بتواند به جامعه اجازه طراحی و اجرای سیستم های ترابری با کمترین اثر نا مطلوب بر محیط زیست را بدهد.

ح - شبکه های ایاب و ذهاب برای اشخاص در درون شهرها که از سوخت قابل تجدید استفاده میکنند مانند مترو ها، ترامواها و اتوبوس های برقی باید نقش ستون فقرات حمل و نقل اشخاص را در شهرها به عهده داشته باشند. این شبکه ها باید گسترش پیدا بکنند و تمام این شبکه ها باید به طور مجانی در اختیار مردم قرار گیرند و شهروندان باید بدون هیچ خرج یا محدودیتی بتوانند از آنها استفاده بکنند.

خ - پروژه های ساختمانی برای ایجاد راه آهن شهری، مترو، تراموا و اتوبوسهای برقی باید به طور وسیع طراحی و راه اندازی شود. این شبکه های حمل و نقل شهری در شهرها باید تنها از انرژی قابل تجدید استفاده کنند مازاد به اینکه مالکیت آن باید اجتماعی باشد و به طور مجانی در اختیار مردم قرار بگیرد تا به این طریق استفاده از اتومبیل های شخصی بنزینی یا گازویلی را بتوان هر چه بیشتر محدود کرد.

د - تعویض سیستم تولید و مصرف انرژی در ایران از سوخت های فسیلی به سمت سوخت های تجدید پذیر و پایدار و همچنین ایجاد یک شبکه عمومی و مجانی ایاب و ذهاب اشخاص در شهرها به جز کاهش آلودگی آب و هوا و کمک به کاهش جهانی گرمایش زمین به نسبت سهم ایران هدف دیگری را هم دنبال می کند و آن ایجاد شغل و درآمد برای مردم آن شهرها است. هر فعالیت اقتصادی برای تبدیل یک بخش از تولید یا مصرف نا پایدار به تولید و مصرف پایدار باید همزمان برای مردم آن منطقه ایی که این فعالیت آنجا انجام می گیرد ایجاد شغل و درآمد بکند که این فعالیتها بتوانند از حمایت طبقات پایین و متوسط برخوردار گردند. همان مردمی که باید مالکیت این پروژه ها را هم باید به طریق اجتماعی و عمومی بر عهده داشته باشند.

ذ - سیستم کشاورزی در ایران نیز باید به سمت تولیدات کشاورزی اکولوژیک در یک شکل تعاونی بچرخد و این تولید اکولوژیک کشاورزی باید از طرف دولت و درمقابله با سیستم کشاورزی صنعتی حمایت شود. کشاورزی اکولوژیک قادر به ایجاد شغل و درآمد برای تعداد خیلی بیستری از مردم در مقایسه با سیستم کشاورزی صنعتی است.

در کشور ایران که کمبود بارش سابقه صدها ساله دارد باید محدودیت های شدیدی در استفاده از آب برای کشاورزی تنظیم شود که سیستم کشاورزی صنعتی را مجبور به استفاده از سیستم های آبیاری با بازدهی خیلی بالا یعنی با کمترین اتلاف آب بکند و همزمان محدودیت های نسبی نیز باید در مصرف کود شیمیایی اعمال شود.